

# جهان نوین

شماره یازدهم / آبان ۱۳۸۹

Email: [jahanenovin@gmail.com](mailto:jahanenovin@gmail.com)

<http://jahanenovin.blogspot.com>

سرمقاله: نظام آموزشی جامعه ما، چه می آموزاند و چه اهدافی را دنبال می کند؟

## آن سوی خبرها

بازگشت به کار سه نفر از کارگران اخراجی شرکت واحد

تحریمها و طرح هدفمند سازی یارانهها

پژواک مهر از زندان: بخشهایی از نامه های دانشجویان زندانی

سرنوشت کارخانه ریسندگی کاشان

درسی برای فانتزیست ها

پیام حمایت سندیکاهای کارگری ایران از مبارزات کارگران و زحمتکشان فرانسوی

فتنه اقتصادی یا جنبش نوین توده ها

شهر: باز یافت

دهانت را می بویند مبادا...

شهر: شاعری در اوج

مصوبه جدید مجلس: دانشگاه های دولتی ایران، دانشجوی پولی می گیرند

گزارش تصویری (صفحات ۱۳ و ۱۴): آموزش و تحصیل، فروشی نیست!



**عکس راست/بالا:** شش روز تظاهرات سراسری در فرانسه: مردم معترض، ورودی فرودگاه شهر نیس را مسدود کردند، ۱۹ اکتبر ۲۰۱۰ (۲۷ مهر)

**عکس راست/پایین:** پلیس ضد شورش با اعمال خشونت، جوانان را در تظاهرات دانشجویی در شهر لیون، مرکز فرانسه، بازداشت کرد، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۰ (۲۶ مهر)

**عکس وسط:** راهپیمایی گسترده مردم مarse، جنوب فرانسه، ۱۶ اکتبر ۲۰۱۰ (۲۴ مهر)

**عکس چپ/بالا:** دانشجویان در مجمع عمومی دانشجویی دانشگاه ناتر (حوالی پاریس)، به برپایی تظاهرات علیه طرح دولت برای اصلاح نظام بازنشستگی رای دادند، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۰ (۳۰ مهر)

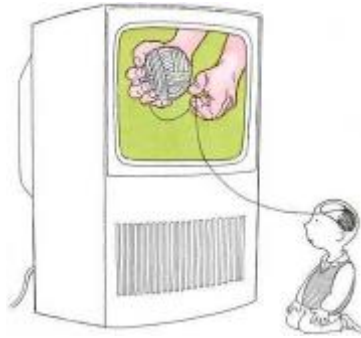
**عکس چپ/پایین:** فریاد اعتراض دانش آموزان دبیرستانی علیه اصلاح نظام بازنشستگی، پاریس، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۰ (۲۲ مهر)

مقاله

## نظام آموزشی جامعه ما

### چه می آموزاند

### و چه اهدافی را دنبال می کند؟



وقتی از کودکان دبستانی می پرسی که چه شغلی را دوست داری، بر اساس شناخت خود از شغل ها با کم ترین توجه به درآمد آن شغل، اعلام می کنند که خلبان، معلم، پلیس و...

وقتی که از دانش آموزان متوسطه یا راهنمایی می پرسی که در آینده، در چه رشته ای تحصیل خواهی کرد و چه رشته ای را دنبال خواهی نمود، از رشته ای نام می برند که تلفیقی از علاقمندی شخصی و شرایط بازار کار را متناسب با درک خود از بازار کار، بیان می کنند.

وقتی که از دانش آموزان سال آخر دبیرستان و علاقه مندان به ادامه تحصیل در دانشگاه علت انتخاب رشته تحصیلی شان در دانشگاه را می پرسی، به این حقیقت تلخ آگاه می شوی که اکثر این دانشجویان آینده برای انتخاب رشته، تنها به یک پارامتر توجه می کنند: بازار کاری با درآمد بالا. حال اگر در رشته انتخابی اول خود، قبول شوند که مسابقه برای پولدار شدن را با شرایط دلخواه آغاز می کنند. اگر هم در رشته ای قبول بشوند که هیچ گرایش درونی به آن ندارند، همین مسابقه پیگیری می شود، گر چه نه با رضایت خاطر.

در طول دوران آموزشی چه اتفاقی می افتد که هدف از تحصیل علم، جای خود را از حقیقت جویی، به خودخواهی می دهد. چه اتفاقی می افتد که کشف حقایق مستتر در پرده جهل برای رفع نیازها و دردمندی های جامعه انسانی و مقابله با بی عدالتی و آزادی کشی ناشی از تسلط زورمداران سودمحور، جای خود را به رفع نیازهای شخصی می دهد. چه زلزله ای باعث می شود تا تلاش برای آفریدن و کشف و خلاقیت، جای خود را به سود اندوزی و برتری طلبی می دهد؟ چه مکانیسمی این تغییر را از کودکی به جوانی جهت می دهد؟

اجباری در مدارس، این اطاعت کورکورانه را با تمرین روزانه نهادینه می کند و عمل افراد به تناسب شکل گیری آنها در هر یک از طبقات اجتماعی، نهادینه می شود. به آنها گفته می شود که از ابتدا همین بوده و تا آخر نیز همین خواهد بود و هرگونه رفتاری غیر از این را با شدیدترین روش ها پاسخ می دهند و غالباً فرد را ناهنجار و یا بیمار خطاب می کنند.

۲- آدم ها به اندازه ی دارایی و اموالی که دارند صاحب حق و به ویژه حق آموختن هستند (با انواع مدارس درجه بندی شده در نظام آموزشی، از دولتی، دولتی نمونه، غیر انتفاعی، انتفاعی و آزاد و ... این حقوق درجه بندی شده و طبقاتی را در اذهان کودکان توجیه و تبیین می کنند).

۳- افراد جامعه به نسبت مدارک تحصیلی که اخذ می کنند و به نسبت جامعه پذیری شان، حق درآمد دارند و نه به نسبت درکشان از حقیقت، ارزش های رایج و توانایی و ارزش کارشان (بیهوده نیست که رفتن به دانشگاه و گرفتن مدرک، اصل می شود و نه شجاعت اعتراض به بدی ها و آموختن دانش و یا مهارت در کار).

۴- گناه بی عدالتی و فاصله ی طبقاتی، به گردن خود فرد است که یا تنبل است و حال کار کردن و رقابت با دیگران را ندارد و یا عقیده ای به "رقابت آزاد" ندارد. (که دومی مذموم تر است)

۵- وضع موجود ایده آل است و مقتدان و معترضان وضع موجود، یا دشمن هستند و یا نادان.

جالب این که بسیاری از محصلان این نظام آموزشی، همین که پا به دانشگاه می گذارند و کمی از فشارهای دوران دانش آموزی از سرشان کاسته می شود، تازه شکوفا می شوند، می فهمند که هیچ نمی دانند. آنگاه مطالعه و بحث در صحت و سقم آنچه آموخته اند، آغاز می شود. خلاقیت و نو آوری و تحرک اجتماعی این جوانان دانشگاهی در دو جهت کاملاً متفاوت ادامه می یابد.

گروهی که به آینده شخصی خود فکر می کنند، بلافاصله پس از کسب اولین امکان، به کشورهای پیشرفته تر مهاجرت می کنند تا بدون مزاحمت و

بچه های ما در نظام آموزشی چه می آموزند که در جوانی، قبله ای غیر از پول را به رسمیت نمی شناسند؟ در نظام آموزشی مستقر در این جامعه، که ادعای ارزشی بودنش گوش فلک را پر کرده است، چه واقعیتی جریان دارد؟

هدف واقعی و غایی این نظام آموزشی را در جای دیگر باید جست و جو کرد. در نظام آموزشی که در مدارس پایتختش هم، سر داشتن آموزان آلوده به ساس و شپش می شود و اعتراض آرام معلمانش به شرایط حقوق و دستمزد و عدم تناسب دریافتی

**چه اتفاقی می افتد که کشف حقایق مستتر در پرده جهل، برای رفع نیازها و دردمندی های جامعه انسانی و مقابله با بی عدالتی و آزادی کشی ناشی از تسلط زورمداران سودمحور، جای خود را به رفع نیازهای شخصی می دهد؟**

با هزینه های زندگی، با خشونت و زندان جواب می گیرد، تنها یک دغدغه را فارغ از شعارها می توان واقعی یافت:

آموزش بی چون و چرای تقدس مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و فرهنگ ناب امریکایی فرد محور. این جدی ترین و واقعی ترین دغدغه ی تنظیم کنندگان این نظام آموزشی است. کودکان ما در این نظام می آموزند که:

۱- باید به مدرسه بروند، کسب مدرک کنند و سپس تشکیل خانواده بدهند و ... بدون چون و چرا باید از مقررات اعلام شده اطاعت کنند و گرنه از تحصیل و به تبع آن از دست یابی به مدرک برای گذران زندگی بی بهره خواهند بود. از سخت گیری در مشق شب گرفته تا سایر مراسم

آنچه نیاز به بررسی دارد، این است که جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون نفر، که با وضع موجود نظام آموزشی درگیر کار و یا آموزش‌اند، و عموماً از وضع موجود ناراضی‌اند، چگونه باید با پدیده نظام آموزشی مبتنی بر تثبیت بی‌عدالتی، برخورد کنند. حدود دو میلیون کادر آموزشی و حدود ۱۸ میلیون دانش‌آموز، در مقاطع مختلف با خانواده-هایشان، همه درگیر این وضع اسف‌بار نظام آموزشی‌اند. سوال این است:

چگونه و با تحمل چه هزینه‌ای، می‌توان این روند آموزش ضد انسانی مبتنی بر فرهنگ عدالت‌ستیزانه و امریکایی را متوقف کرد؟

چقدر سخت است. درک واقعیت‌های اجتماعی، آنان را تبدیل به فعالان دانشجویی می‌کند. جنبش دانشجویی ایران از این جهت، یکی از جدی‌ترین جنبش‌های اجتماعی است که در راه آزادی‌خواهی و رفع نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، فعالیت داشته و چه بسیار قربانی داده است، به طوری که هم اکنون ده‌ها دانشجوی به عنوان پاداش تلاش‌شان برای موثر بودن، زندان را تجربه می‌کنند.

این واقعیت که در جامعه طبقاتی، همه امور اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به گونه‌ای سامان داده می‌شود که جریان سلطه طبقه حاکم، حفظ شود و تداوم یابد، نیازی به اثبات ندارد.

در فضایی به نسبت آزادتر، به دنبال تثبیت جایگاه خود باشند. اکثر این نخبگان علمی، مگر برای اموری موقت، به زادگاه خود باز نمی‌گردند. گروه دوم در همین جامعه می‌مانند تا در آن نقش موثری ایفا کنند، تا برای جامعه خود مفید باشند، تا کاری کنند کارستان و معضلات جامعه را به نفع عموم حل کنند.

اما بسیاری از این دانشجویان که می‌مانند، در مواجهه با واقعیات، امکانی برای تاثیرگذاری نمی‌یابند و تازه می‌فهمند که خانواده‌هایشان با چه خون دلی و چه بهایی، آنان را پشتیبانی کرده‌اند. تازه در می‌یابند که زندگی در شرایط نابرابر،

## آن سوی خبرها

☺ در پی رکود بی سابقه قیمت طلا، رییس اتحادیه کشوری طلا و جواهر، پیش‌بینی کرد:

پس از یک مرحله افزایش قیمت در بازارهای جهانی طلا، با یک مرحله کاهش مواجه شویم.

☺ از رییس اتحادیه‌های کارگری! تقاضا می‌شود همین که قیمت طلا پایین آمد، تسهیلاتی برای خرید طلا برای کارگران عضو دست و پا کنند. انشاءالله.

☺ محمد حسین محبی رییس هیات مدیره سندیکای تولید کنندگان فن‌آوری اطلاعات در نشست مطبوعاتی گفت:

عملکرد دولت نسبت به حمایت از تولید داخلی، تبعیض‌آمیز و مغرضانه است و در آینده نزدیک، شاهد ورشکستگی بسیاری از واحدهای صنایع خواهیم بود.

☺ فقط ورشکستگی صنایع؟ بیکاری کارگران که اهمیتی ندارد!

☺ حسین مهاجران، رییس اتحادیه فروشندگان میوه و سبزی تهران گفت:

واردکنندگان میوه در مشاغل دیگری فعال هستند و با سوءاستفاده از قیمت‌ها ...

روزنامه همشهری ۷ مهر ۸۹: دبیرکل جدید کانون

این آدم سر کارگر بوده و ۲۴ ساعته کار می‌کرده است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

☺ روزنامه شرق ۳۱ شهریور ۸۹: بخشی از ۱۵ هزار قطعه از آثار باستانی که در دوران اشغال

عراق توسط امریکایی‌ها به غارت رفته بود، با اعتراضات همه جانبه و تلاش سازمان‌های بین‌المللی، به عراق بازگردانده شد. اما جالب و تاسف بار است که از ۸۵۰۰ قطعه‌ای که برگردانده شد،

۶۳۸ قطعه مفقود می‌شود. و بالاخره اینکه که این اشیاء عتیقه مفقودی، در میان جعبه‌های در بسته و در زیر وسایل آشپزخانه دفتر نوری مالکی، نخست وزیر عراق کشف می‌شود.

☺ گفتند ادب از که آموختی؟ گفت از همسایه.

☺ سبحانی‌نیا رییس سندیکای واردکنندگان دارو در مراسم صبحانه کاری مسئولان وزارت بهداشت

با صنایع در اتاق بازرگانی، اعلام کرد که: اگر مافیای دارو وجود داشته باشد، در دست خود دولت است.

☺ اتفاقاً رییس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی هم، در مراسم صبحانه کاری با روزنامه نگاران زندانی، در زندان گوهردشت، نظراتی مشابه را اعلام کرد.

☺ معاون وزارت صنایع گفت: در سال ۸۸ بیش از ۸۳ درصد از مجموع ۴۰ میلیارد دلار واردات

کالاهای صنعتی به شکور اضافی و بیخودی بوده است. (نقل از اخبار صدا و سیما در تاریخ ۲۵ شهریور ۸۹)

☺ نگران نباشید فقط ۸۳ درصد واردات صنعتی بیخودی بوده، گرچه آن هم بیخود بیخود نبوده، بالاخره سود واردکنندگان که نباید تعطیل شود!

☺ در انفجار تروریستی مهاباد ۱۲ نفر جان باختند و بیش از ۸۰ نفر مجروح شدند. همه گروه‌های

مسلح و غیر مسلح بومی و همه نیروهای سیاسی این اقدام تروریستی را محکوم کردند.

☺ پیدا کنید پرتقال فروش را.

☺ روزنامه آرمان ۳۰ شهریور ۸۹: در دو نوبت شب و روز به صورت ۲۴ ساعته در کارخانه

مشغول به کار هستم و به ندرت خانواده ام را می‌توانم ببینم. شبی که به خانه آمده بودم، به دلیل حضور مهمان، یکی از پیراهن‌های برادرم را

موقتی پوشیدم و آخر شب برادرم پیراهنش را بهانه درگیری کرد و... (قسمتی از اعترافات یک قاتل در اداره آگاهی)

☺ این وضع اقتصادی زحمت‌کشان ماست. تازه

## آن سوی خبرها

کارگزاران، از تغییر اساسنامه کانون کارگزاران...  
نایب رییس کانون سردفتران گفت: هیچ یک از سردفتران کشور حق...  
جالب است که در این جامعه به جز کارگران، همه حق دارند با ایجاد سندیکا و اتحادیه و کانون، از حقوق خود و همکاران خود حمایت کنند. حق تشکل برای دفاع از حقوق خود، برای همه کارفرمایان و کاسبان آزاد، اما برای کارگران ممنوعیت موکد دارد!

جعفری دولت آبادی دادستان تهران خواستار حضور هیات منصفه در دادگاه جرایم سیاسی شد. به نوشته ی مطبوعات در هفته ی اول مهر ماه، محسنی ازه ای دادستان کل گفته:

هیات منصفه برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در قانون مطبوعات پیش بینی شده است. اما از آنجا که تا کنون جرایم سیاسی در قانون تعریف نشده است، قانونی برای ضرورت رسیدگی با حضور هیات منصفه در این زمینه نداریم.  
بالاخره خداوند آخر و عاقبت زندانیان سیاسی را به خیر کند که سی سال است در انتظار هیات منصفه هستند!

انگلیس و امریکا از ابتدای سال جاری میلادی با علم کردن خطر احمدی نژاد و سپاه پاسداران، ۱۳۵ میلیارد دلار سلاح به شیوخ عرب خلیج فارس فروخته اند.  
به به! عجب خطر سودآوری!؟

حسین الله وردی نژاد دبیر کل حزب اسلامی

رفاه گفت:

جای تاسف است که با وجود سیل بیکاران در کشور، مبلغ ۵ هزار میلیارد تومان وام بانکی در اختیار حدود ۱۰۰ نفر قرار می گیرد.

اما الله وردی نژاد نگفت که این ۱۰۰ نفر کیانند؟! البته مشخص است که هیچیک از اعضای تحریریه جهان نوین و هیچیک از کارگران و زحمت کشان در میان آنان نیست!

روزنامه شرق اول مهرماه ۸۹:

کمپین جهانی آموزش در جدیدترین رتبه بندی خود اعلام کرد ۷۰ میلیون کودک در سراسر جهان بی سواد هستند. اکثر این کودکان محروم، افریقایی اند.

این محرومیت فقط یک قلم از مجموعه محرومیت هایی است که نظام سرمایه داری جهانی برای ملت ها به ارمغان آورده است. این ۷۰ میلیون کودک همراه خانواده های شان از غذا و آب آشامیدنی سالم و سرپناه هم بی بهره اند.

محمد نژاد نوری معاون پژوهشی وزیر علوم گفت: بازار یک کشور، ناموس یک کشور است.

پس پیش به سوی حفظ سود هر چه بیشتر برای بازار و ترویج فرهنگ بازار. فقط مواظب باشید ناموستان به دست بیگانگان نیافتد.

قرارداد ساخت پروژه های پالایشگاهی فاز ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی با موافقت هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران، از دو میلیارد و ۴۹ میلیون دلار به ۴ میلیارد و ۸۵۰ میلیون دلار افزایش یافت.

فکر می کنید حالا که مبلغ قرارداد ساخت دو برابر شده، چند درصد به حقوق کارگران این

پروژه ها اضافه می شود؟ فکر نمی خواهد:

دو برابر تاخیر در پرداخت حقوق رو شاخشه!

محمد شریفی مقدم دبیر کل خانه پرستاران ایران درگفت و گو با ایلنا گفت: گزینش دانشگاه علوم پزشکی تهران بی دلیل و به بهانه پوشش نامناسب، قرارداد بسیاری از پرستاران پیمانی را لغو کرده است.

چه معنی دارد که ... اصلا چه دلیلی دارد که زن در خارج از خانه کار کند؟! اگر پرستاران به کارشان علاقه دارند، در خانه از خانواده خود پرستاری کنند!

در پی بحران های ناشی از ساختار نظام سرمایه داری، تظاهرات و اعتصابات کارگری چند کشور اروپایی را فراگرفت. به گزارش خبرگزاری ها، میلیون ها کارگر فرانسوی در مخالفت با طرح بازنشستگی که از ۶۰ به ۶۲ سال تغییر داده شده به دولت حامی سرمایه داری اعتراض کردند. هم چنین هزاران راننده کامیون که از سراسر کشور به آتن پایتخت یونان آمده بودند، طی تظاهراتی با سر دادن شعارهای ضد دولتی، قانون گزاران را دزد خطاب کردند. در پراگ پایتخت کشور چک نیز ده ها هزار نفر از کارکنان دولت، از جمله پلیس، ماموران آتش نشانی و پرستاران، در اعتراض به میزان حقوق خود، دست به راه پیمایی زدند. دولت های اروپایی در صدد تا فشار ناشی از بحران های اقتصادی را به مردم و به ویژه زحمت کشان منتقل کنند.

قابل توجه لیبرال های وطنی که آمال و آرزوهای خود را در سرمایه داری می بینند. گرچه درک این اتفاقات برای کارگران آموزنده تر است.

### تماس با نشریه:

برای دانلود نسخه pdf نشریه جهان نوین، به وبلاگ نشریه مراجعه کنید:

<http://jahanenovin.blogspot.com>

یا با ایمیل نشریه تماس بگیرید:

[jahanenovin@gmail.com](mailto:jahanenovin@gmail.com)

برای تبادل نظر با هیات تحریریه و یا ارسال مطالب تان برای انتشار در جهان نوین، با همین ایمیل تماس بگیرید.

مطالب نشریه، به تدریج در وبلاگ جهان نوین منتشر می شود. برای تبادل نظر جمعی، می توانید در این وبلاگ، نظرات تان را منتشر کنید.

در صورت امکان، جهان نوین را به ایمیل دوستان خود ارسال کنید.

نسخه pdf جهان نوین، مناسب پرینت روی کاغذ A4 است. با پرینت و تکثیر نسخه کاغذی جهان نوین، می توانید طیف مخاطبان جهان نوین را گسترش دهید.

## بازگشت به کار سه تن از کارگران اخراجی شرکت واحد

امیدواریم روسای جدید، با آزادی منصور اسانلو و ابراهیم مددی، رییس و نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد، که بیش از سه سال است در زندان به سر می‌برند و همچنین رضا شهابی، دیگر عضو سندیکا و سایر کارگران زندانی، به گوشه‌ای از خواست‌های کارگران، تن بدهند.

بودند، اما رییس سابق شرکت واحد، سردار بیژنی، از بازگشت به کارشان جلوگیری می‌کرد. ضمن تبریک بازگشت به کار این کارگران فعال، امیدواریم که روسای جدید، کمی بیش از پیشینیان خود، این مساله را دریابند که مخالفت با خواست کارگران برای ایجاد تشکل مستقل کارگری، راه به‌جایی نمی‌برد.

جهان‌نویس: بازگشت به کار سه تن از کارگران اخراجی شرکت واحد، آقای گوهری، عضو هیات مدیره سندیکا، آقای عطابااخانی بازرس و آقای تاخیری عضو فعال سندیکا، که حدود ۴ سال پیش به دلیل فعالیت‌های سندیکایی از کار اخراج شده بودند، مایه خشنودی است. این کارگران، ماه‌ها بود حکم بازگشت به کار، گرفته

### کارگران فازهای ۱۴ و ۱۵

#### پارس جنوبی، در اعتراض به

#### پرداخت نشدن حقوق چند ماه

#### گذشته خود دست به اعتصاب زدند

بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ کارگر در فازهای ۱۴ و ۱۵ پارس جنوبی، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق چند ماه گذشته خود، دست به اعتصاب زدند که تا روز یکشنبه ۹ آبان ۱۳۸۹، ادامه داشته است.

گفتنی است این اعتصاب، در مناطقی صورت گرفته که در اختیار شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران بوده است.

### تداوم اعتصاب در کارخانه کیان‌تایر

اعتصاب در کارخانه کیان‌تایر (لاستیک‌سازی البرز) همچنان ادامه دارد.

۱۳۰۰ کارگر این کارخانه، خواستار دریافت حقوق معوقه خود هستند که در چند نوبت، در سه سال گذشته به آنها داده نشده و تا کنون هم وعده‌های وزارت صنایع و کارفرما عملی نشده است. اعتصاب و اعتراض صدها کارگر کیان‌تایر، در حالی آغاز شد که کارگران این واحد تولیدی، در زمستان سال گذشته، در اعتراض به توقف تولید و تصمیم کارفرما برای انحلال کارخانه و عدم دریافت چهار ماه حقوق معوقه خود، دست به اعتصاب زده بودند. آن اعتصاب به دلیل قول مسئولان دولتی برای رسیدگی به مشکلات و حل آنها به‌پایان رسید، اما این وعده هرگز برآورده نشد.

### دستگیری ۳۰ کارگر در کارخانه

#### سیمان درود استان لرستان

یکشنبه ۹ آبان ماه ۸۹، حدود ۳۰ تن از کارگران سیمان درود واقع در استان لرستان، پس از اعتراض و اعتصاب برای تثبیت قراردادهای شان، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و روانه بازداشت‌گاه شدند.

این کارگران که تحت پیمان‌های موقتی در کارخانه سیمان درود مشغول به کار بودند، پس از آنکه متوجه شدند علی‌رغم وعده‌های رییس دولت، قرار نیست آنها را به عقد قرارداد دائمی و رسمی شرکت مذکور در آورند، دست از کار کشیدند و به اعتراض از طریق اعتصاب عمومی پرداختند که منجر به توقف تولید در این کارخانه گردید. با هجوم نیروهای انتظامی و امنیتی، ۳۰ تن از این کارگران بازداشت شدند.

### تحریم‌ها و طرح هدفمند سازی یارانه‌ها

هرچند عده‌ای از مسئولان دولتی، از بی‌تاثیر بودن تحریم‌ها بر ایران صحبت می‌کنند، اما برخی دیگر از آنها، از جدی بودن آن و تاثیر زیاد بر زندگی مردم خبر می‌دهند. آنچه در واقع امر جریان دارد، حاکی از گران‌تر شدن کالاها و خدمات و سقوط زندگی مردم است. آمارها به صورت وحشتناکی از کمبود کالاها و بالای رفتن تورم حکایت می‌کند، در حالی که دولت‌مردان هنوز هم بر آن تاکید دارند که هدفمند کردن یارانه‌ها، تاثیر چندانی بر زندگی مردم ندارد. هم‌اکنون هدفمند کردن یارانه‌ها، پیش از اعلام رسمی اجرای طرح، در بسیاری از زمینه‌ها به اجرا در آمده است.

با کاهش سهمیه بنزین هر ماشین سواری به دو لیتر در روز، قیمت هر لیتر بنزین، عملاً برای همگان ۴۰۰ تومان است؛ البته به‌جز برای عده‌ای خاص و یا سهمیه‌داران و خانواده شهدا و دولت‌مردان.

قبض‌های برق با افزایش سرسام‌آور، اما به‌صورت گزینشی و نه همگانی، برای مردم ارسال می‌شود تا از

و بانک جهانی برای آزاد سازی اقتصاد است، شروع کرده است.

دولت‌مردان ایران در فضای تحریم، با عجله می‌خواهند بگویند که برای پیوستن به بازار آزاد و یا پیاده کردن طرح‌های صندوق بین‌المللی پول، آمادگی کامل دارند، تا شاید از این طریق، بار فشار تحریم را بر خود کمتر کنند، غافل از آنکه در چنین فضایی، هر گونه گامی که در مقابله با مردم و فشار بیشتر بر آنها برداشته شود، نه تنها وضعیت آنها را تحکیم نمی‌مند، بلکه دره عمیق میان حاکمان و مردم را عمیق‌تر می‌کند.

می‌گویند ساروتقی (تقی سرخ‌مو) حاکم گیلان در دوران شاه عباس، در آخر عمرش گفت: هزاران دل را به درد آوردم تا یک دل به‌دست آورم، آن هم میسر نشد.

آیا دولت‌مردان می‌خواهند با عجله در حذف یارانه‌ها و آزاد سازی قیمت‌ها، به تحریم‌کنندگان پیغام دهند که "در سیاست، به ما کاری نداشته باشید؛ در اقتصاد هرچه شما بگویید، دربست قبول است؟"

قبل، مردم را در برابر افزایش قیمت آن تا حدی واکنش‌ناپذیر (!) کنند. قیمت برق، با اعلام رسمی آن برای صنایع به قیمت کیلوواتی ۴۵ تومان، گران‌تر از قیمت جهانی و منطقه‌ای آن شده است، زیرا قیمت برق در کشورهایمانند ترکیه و آذربایجان، کمتر از ۳۰ تومان برای هر کیلووات است.

قند و شکر، روغن، گوشت و مایحتاج اصلی مردم، گران‌تر از قیمت جهانی آن است. هم‌اکنون قیمت گوشت قرمز در کشورهای همسایه حدود ۶ هزار تومان است، اما در ایران، به‌طور متوسط حدود ۱۲ هزار تومان است. گندم نیز که قیمت جهانی آن حدود ۲۵۰ تومان است، به نانوایان آزاد پز، به قیمت ۴۰۰ تومان فروخته می‌شود تا نان آزاد بپزند. نانوایی‌های آزادپز در سراسر کشور، در حال گسترش هستند و هر روزه بر تعداد آنان افزوده می‌شود.

بدین ترتیب، دولت ایران مدت‌هاست که به‌تدریج حذف یارانه‌ها (به قول خودشان هدفمند سازی یارانه‌ها) را، که از طرح‌های تحمیلی صندوق بین‌المللی پول



## پژواک مهر از زندان: بخش‌هایی از نامه‌های دانشجویان زندانی

اهل خطر کردن هستند. راستش دانشگاه خانه روشن‌سازی و روشنگری است. بی‌پروایی و شجاعت را در کنار صداقت و صراحت می‌آموزد تا "باید برای آزادی خطرها کرد" پایان نباشد.

"بزرگی و پیروزی از آن مردم است. شما بر سنت پرش‌گری و روشنگری‌تان بمانید. شما آگاهی بخشی را فراموش نکنید. در کنار مردم باشید و بدانید هر کسی با مردم باشد پیروز است. مردم را ناآگاه نباید تلقی کرد. آنها وابسته و سرسپرده نیستند. مردم آزاد و مستقل‌اند."

دوستان‌ام! عید دانشگاه است ولی یاران دبستانی-تان را فراموش نکنید. بسیاری امروز در زندان‌اند و جای بسیاری دیگر نیز خالی است. قصه تعلیق و تبعید و تویخ را شنیده‌اید. جای ستاره‌دارها و محروم‌ها را خالی کنید. یاد اخراجی‌ها هم باشید. اساتید به زور بازنشسته و اخراجی را به‌خاطر آورید.

مجید توکل

زندانی رجایی شهر/ اندرزگاه شماره ۳

ستم‌هاست. دستان ماست که چوب الف را می‌شکنند و ترکه‌های بیداد را بر نمی‌تابد.

شبنم مدد زاده

زندانی رجایی شهر کرج

مهری دیگر از راه رسید و خبری از مهربانی نیست. بهار دانشگاه در خزان طبیعت رسید و هم-چنان به امید شکوفایی و به بار نشستن آرمان‌ها و خواسته‌های‌مان در این ایام زمستانی و در اوج داستان‌های تلخ و روزهای سخت، به انتظار نشستیم. اگر آغاز سال تحصیلی نبود و تکرار هر ساله آن، عید و تحویل و تغییر نبود، شاید تکراری بودن مانع بود تا از ایام تلخ سرزمین‌مان و قصه مصیبت‌بار و سراسر خیانت و جنایت و رذالت قوم استبداد- به‌ویژه در دو سال گذشته- و ایستادگی و متانت و بزرگی مردم نوشت. ... قصه بیش از صد ساله به ما آموخت که باید برای آزادی خطرها کرد. خوشحالم که دانشگاه و دانشجویان را داریم و می‌دانیم جوانان دانشگاه

صدای زنگ های مدرسه، صدای شکستن سکوت این شب است. صدای زنگ های مدرسه شروع یک تداوم است، تداوم نواختن آهنگ مبارزه در برابر بی‌عدالتی، ایستادگی در حق‌خواهی و پای فشردن بر آزادی‌خواهی، آهنگی صد ساله که در سرزمین‌مان به دست عاشقان آزادی نواخته شده و مشق نواختنش را در صفحه های تاریخ برجای گذاشته اند تا شاید ما تکرارش کنیم؛ که تنها راه برای رسیدن به نور و آزادی ست...

ولی همه ما درس‌های‌مان را با یک الفبا شروع می‌کنیم. الفبایی که معلم‌های‌مان با شعر زندگی-شان، بالای چوبه دار با قافیه اعدام سروده‌اند. درس بزرگ فرزند کمانگر و هم قطارانش عشق ورزیدن به تمام انسان‌ها بود. الفبایی که "الف" اش از ایثار و از خود گذشتگی در راه انسانیت، تا "ی" که یکی شدن و یگانگی را بر خط به خط دفتر مبارزه نوشته‌اند تا ما از روی‌شان بنویسیم. اگرچه زندان، زنجیر و چوبه دار در دستان حاکمان است، این دستان ماست که سدی سترگ در برابر همه

## سرنوشت کارخانه ریسندگی کاشان

این مضمون اعلام شد که "وقتی ما می‌توانیم جنسی که در ایران تولید می‌شود، از خارج وارد کنیم، چه نیازی به ادامه تولید آن در داخل است؟" این "استدلال" از زبان بهزاد نبوی (از اصلاح‌طلبان معروف زندانی) هم در آن روزها شنیده می‌شد.

به عبارت دیگر، تا پول نفت هست و حاکمیت در اختیار ما، با گسترش واردات سلطه خویش بر حاکمیت را تقویت می‌کنیم و از شر سندیکا و شورا و اعتصاب کارگران خود را خلاص می‌کنیم! و حاصل آن، فاجعه‌ای است که امروز با ۷۰ هزار میلیارد واردات و نابودی تولید و تشدید بیکاری و فقر و اعتیاد فحشا بر کشور حاکم است. با این تحریم‌های گسترده، اوضاع آینده هم چندان دور از ذهن نیست.

بسیاری از کارخانه‌های ایران را در سال‌های اخیر در پی داشته است که ریسندگی کاشان یکی از آنهاست. این کارخانه‌ها به ارزان‌ترین قیمت فروخته شده‌اند و حتا، زمین اغلب این کارخانه‌ها تبدیل به انبار شده و یا با تقسیم به قطعات ساختمانی، فروخته شده‌اند.

زمینه‌سازی‌های این روند، قبل از سال ۱۳۷۵ آغاز شد. برخی از این زمینه‌سازی‌ها، در مصاحبه‌های حبیب‌الله عسگرآلادی، از سران موتلفه اسلامی و محمدرضا باهنر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسان و نایب رئیس کنونی مجلس، در مطبوعات همان زمان و در جریان دو کارزار انتخاباتی مجلس پنجم و ریاست جمهوری دوره‌ی هفتم (دوم خرداد ۷۶) انتشار یافت.

اعتراف به برتری تجارت بر تولید، از زبان آنان با

کارخانه ریسندگی کاشان هم اکنون فقط ۴۰ هزار متر پارچه در روز تولید می‌کند. کارخانه‌ای که در آن ۷ هزار کارگر کار می‌کردند، اکنون تنها کمی بیش از هزار کارگر کار می‌کنند. فاجعه در این کارخانه از سال ۸۱ و با واگذاری آن به بخش خصوصی آغاز شد و از همین سال، بازخرید و بازنشسته کردن کارگران آغاز شد که تا کنون حدود ۶ هزار کارگر مشمول آن شده‌اند.

اعتراض و تظاهرات و تحصن کارگران طی این سال‌ها به جایی نرسید و نابودی ریسندگی کاشان ادامه یافت. حتا کارگرانی که هنوز بازنشسته و یا بازخرید نشده‌اند، بیش از دو سال است که حقوق نگرفته‌اند. واردات پارچه از یک سو و اجرای دستورات بانک جهانی برای بازخرید و اخراج و بازنشسته کردن کارگران از سوی دیگر، نابودی



پلیس ضد شورش فرانسه، لیون، ۱۹ اکتبر ۲۰۱۰

ها و انبارهای سوخت را اشغال کرد.

چند نکته در اینجا قابل تأمل است:

۱- کارگران با تعطیل کردن ۸۰٪ از جایگاه‌های سوخت، حمایت خود را از ادامه روند اعتصاب اعلام کردند و نشان دادند که توده‌های مردمی می‌توانند در هر سطحی و به هر میزان، به جنبش کمک کنند و اینکه این پتانسیل و خود آگاهی را دارند که در صورت درخواست و روشننگری فعالان جنبش، خود به صفوف اعتصاب کنندگان و تظاهرکنندگان بپیوندند.

۲- بیشتر سوخت فسیلی در فرانسه در بخش صنعت مصرف می‌شود و به محض اینکه منافع سرمایه‌داران و کارخانه‌داران به خطر افتاد، حکومت فرانسه از اعمال شدیدترین واکنش‌ها دریغ نکرد و

**در چند هفته اخیر، پلیس فرانسه شدیداً به جوانان در سرتاسر کشور، به‌خصوص در پاریس و لیون، حمله کرد و با بازداشت‌های گسترده و ضرب و شتم تظاهرکنندگان، نشان داد که دمکراسی لیبرال به چه معناست.**

برای حفظ منافع سرمایه‌داران، به کارگران حمله کرد.

۳- سندیکا‌های کارگری به دولت پیشنهاد دادند که به جای جبران کاهش بودجه دولت برای سال آینده از طریق افزایش سن بازنشستگی، مقدار مالیات بر سرمایه را در بورس افزایش دهد و از این طریق، کمبود بودجه خود را جبران کند، اما دولت فوراً برآشفست و این خواسته را غیرقابل اجرا خواند. دلیل آن هم کاملاً روشن است، چون سرمایه‌داران و غول‌های بزرگ تجاری و صنعتی در بورس هستند که دولت را حمایت می‌کنند.

نکته دوم و سوم می‌تواند درسی باشد برای آن دسته از دوستانی که هنوز امید به سیستم‌هایی نظیر فرانسه دارند. چرا که به‌صورت عملی نشان

## درسی برای فانتزیست‌ها

فرزاد گلکار

با نگاهی گذرا به جنبش اخیر مردم فرانسه برای گرفتن حقوق اجتماعی و انسانی خود، متوجه می‌شویم که این جنبش دارای نکات برجسته‌ای است و می‌تواند بسیار مفید باشد. حدود شش ماه از آغاز اعتراضات مردمی به صورت اعتصاب و تظاهرات می‌گذرد و هر چه پیش می‌رویم حکومت فرانسه چهره واقعی و ضد مردمی خود را بیشتر رو می‌کند.

دیگر به صورت بسیار ملموس، حتی برای لیبرال-ترین روشنفکران فرانسه و جهان (فانتزیست‌های لیبرال) معلوم شده است که این حکومت و دیگر حکومت‌های مشابه در جهان، نماینده کارخانه-داران و سرمایه‌داران اند نه مردم.

پس از بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها در دو ماه گذشته، جنبش وارد دور تازه‌ای شده است و حضور جوانان با ویژگی‌های خاص خود، روند حرکت و ابراز خواسته‌ها را تغییر داده است. بعضی از احزاب مردم‌فریب و لیبرال مانند حزب سوسیالیست فرانسه، که تا قبل از این با تظاهر، خود را در کنار مردم نشان می‌دادند، وادار شدند که نقاب از چهره خود بردارند. مردم فهمیده‌اند که این قبیل احزاب، فقط در پی رسیدن به قدرت و استفاده شخصی از موقعیت‌های حکومتی برای خود و اطرافیان خود هستند.

در چند هفته اخیر، پلیس فرانسه شدیداً به جوانان در سرتاسر کشور، به‌خصوص در پاریس و لیون، حمله کرد و با بازداشت‌های گسترده و ضرب و شتم تظاهرکنندگان، نشان داد که دمکراسی لیبرال به چه معناست.

از طرف دیگر، با پافشاری کارگران پالایشگاه‌ها و کارگران فعال در بخش حمل و نقل و سوخت بر ادامه اعتصاب، حکومت فرانسه با فشار فراوانی از سوی کارخانه‌داران و سرمایه‌داران روبرو شد؛ بلافاصله نقاب از چهره برداشت و پلیس امنیت در ساعات اولیه بامداد، به کارگران حاضر در جاده-های منتهی به پالایشگاه‌ها حمله کرد و پالایشگاه-

داد که لیبرال دمکراسی، نمایندگی چه کسی را بر عهده دارد؟ مردم یا سرمایه‌داران؟

به نظر می‌رسد سایر مردم در صفوف مختلف، علاوه بر حمایت معنوی و گذشت از بعضی نیازهای روزمره خود (مانند رفتن به سر کار با وسائل نقلیه عمومی) می‌توانند به‌صورت فعالتری، به صفوف کارگران و دانشجویان بپیوندند و با حضور گسترده‌تر در تظاهرات و اعتصابات، در مقابل آخرین ابزار باقی‌مانده برای حکومت، که فقط پلیس امنیت است، بایستند و به این ترتیب، هم هزینه‌های فردی کاهش یابد و هم جنبش بتواند به نتیجه برسد.

در این میان، تلاش دانشجویان در اماکن عمومی، برای تشریح حساسیت و اهمیت موضوع برای مردم و دعوت از آنها برای پیوستن عملی به جنبش، بسیار جالب توجه است و به‌نظر می‌رسد دانش‌آموزان (با توجه به پتانسیل آنها در فرانسه) نیز می‌توانند با فشار بر والدین خود - به‌خصوص آنهایی که پدر یا مادر نظامی و پلیس دارند- نقش به‌سزایی در پیوستن صفوف مختلف به جنبش داشته باشند.

با تصویب قانون تغییر سن بازنشستگی در پارلمان و سنای فرانسه، انشعابات و اختلاف نظرهای فراوانی در میان اعضای حزب حاکم به وجود آمده است و امکان تغییراتی در سطح وزرا و تغییر چپ‌نش آنها در روزهای آینده وجود دارد.

به‌هر حال، سندیکا‌های کارگری و اتحادیه دانشجویان فرانسه روز شنبه ۶ نوامبر ۲۰۱۰ (۱۵ آبان ۱۳۸۹) را برای شروع دور تازه تظاهرات و اعتصابات اعلام کرده‌اند.

## پیام حمایت سندیکاهای کارگری ایران از مبارزات کارگران و زحمت‌کشان فرانسوی

برای رفع این بی‌عدالتی‌ها در راه رسیدن به یک زندگی در خورشان همه انسان‌ها می‌دانیم. بار دیگر حمایت خود را از اعتصاب پر قدرت شما اعلام داشته و برای تان در این مبارزه متحدانه، امید موفقیت داریم.

با امید به گسترش صلح و عدالت و آزادی در سراسر گیتی

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

آبان ۱۳۸۹

سرمایه‌داری است که جز فقر، فلاکت و بی‌کاری کارگران، هیچ نتیجه‌ای را به دنبال نخواهد داشت، پیروزی شما در این نبرد، پیروزی همه کارگران جهان محسوب می‌شود.

ما را در این مبارزه در کنار خود بدانید.

همان‌طور که می‌دانید، کارگران سندیکایی در ایران به دلیل ابتدایی‌ترین حقوق کارگری که در سطح جهان پذیرفته شده، جهت ایجاد تشکل مستقل کارگری، طی سالیان گذشته تحت شدیدترین فشارها قرار دارند و کماکان تعدادی از کارگران در زندان و بسیاری دیگر در دادگاه‌های متفاوت سرگردان و از نعمت کار کردن محروم می‌باشند.

ما پیروزی شما در این مبارزه را، پیروزی همه کارگران قلمداد می‌کنیم و تنها راه نجات‌مان را اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران و مبارزه

به گزارش وبسایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، در این پیام چنین آمده است:

کارگران، یاران و هم‌زمان؛

دولت فرانسه جهت پیشبرد جهانی‌سازی و گذر از بحران اقتصادی، برای پایمال کردن حقوق بازنشستگی کارگران که طی سالها مبارزه به دست آورده‌اند، برنامه‌ای را به پیش می‌برد که ناقض دست‌آوردهای شما می‌باشد.

سندیکاهای کارگری ایران ضمن حمایت کامل از حرکت شکوهمند شما زحمت‌کشان، با صدایی رسا اعلام می‌دارد:

شما درد مشترک کارگران جهان را فریاد می‌زنید.

هجوم به تمام دست‌آوردهای کارگران تحت عنوان جهانی‌سازی، از برنامه‌های اکثر دولت‌های

## فتنه اقتصادی یا جنبش نوین توده‌ها

سوالات جدی را مطرح می‌کند. برنامه تحول اقتصادی که قرار است عدالت را در همه‌جا حاکم کند و یا به قول احمدی‌نژاد با "اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها، فقیری باقی نمی‌ماند و با اجرای این قانون، زندگی مردم از همان روز اول بهبود خواهد یافت" (روزنامه آرمان ۱۴ مرداد ۸۹). پس آشوب و اغتشاش و اعتصاب برای چی؟ آنچه مسلم است این است که اعتصاب کنندگان عرصه‌های مختلف، کارفرمایان، صاحبان صنایع، تجار و ثروتمندان و مدیران بالای حکومتی و اداری و نظامی و خلاصه مرفهین جامعه نیستند. یک دلیل ساده این است که این‌گونه اقدامات از شیوه‌های اعتراضی مرسوم آنان نیست. اگر هم باشد موقتی و آنقدر با تعداد کم و در حد پایین می‌باشد که به قول معروف خیلی زود آنها را با بساطشان جمع می‌کنند. به همین خاطر نیازی به هشدار و تذکر و... نیست. پس مقصود خیل عظیم توده‌های محروم است که در زیر چرخ دنده‌های نظام سرمایه‌داری در حال له شدن هستند.

پایگان امنیتی و نظامی ایران است و بالطبع دسترسی کامل و آسانی به بولتن‌های خبری محرمانه، آمارهای دقیق و حساس گزارشات گوناگون از اطراف و اکناف کشور دارد و به‌عنوان عضوی از مجموعه شورای امنیت ملی، آگاه و

**اصلی‌ترین راه‌حل سرمایه‌داری  
برای خروج از بحران،  
افزایش بهره‌کشی و تشدید استثمار  
است که نتیجه بلافصل آن،  
بر خاک سیاه نشستن میلیون‌ها نفر  
از کارگران و زحمت‌کشان است.**

مسلط به تحلیل‌های مختلف و متناسب با شرایط می‌باشد. به همین دلیل احتمال می‌دهد که موجی جدید از اعتراضات و... در راه است.

بررسی تک‌تک جملات و کلمات فوق، چندان ضروری نیست، اما نگاهی به جوهره اصلی آن،

در روز جمعه ۹ مهر سردار احمدی‌مقدم در مراسم نماز جمعه به مناسبت هفته نیروی انتظامی در رابطه با احتمال وقوع فتنه اقتصادی هشدار داد و گفت:

"کسانی می‌خواهند با تکیه بر فشارهای اقتصادی دشمن، حلقه مکمل آن در کشور باشند باید بدانند با آنها برخورد خواهد شد...گرچه بقایای فتنه سیاسی سال گذشته ادامه دارد ولی فتنه امروز شکل دیگری همچون فتنه اقتصادی است که ممکن است عده‌ای قصد داشته باشند هر روز جایی را به اعتصاب و تعطیلی بکشاند، اما نیروی انتظامی بر هر کانون شکل‌دهی این فتنه‌ها، اشراف کامل دارد... می‌خواهند تحت فشارهای اقتصادی شرایط کشور را به نقطه‌ای بشکانند که آشوب، اغتشاش و ناآرامی و نا فرمانی مدنی را به دنبال داشته باشد... نیروی انتظامی در کنار دولت برای اجرای طرح‌های تحول اقتصادی خواهد بود." (شرق صفحه ۱۰، ده مهر ۸۹)

ما می‌دانیم که فرمانده نیروی انتظامی، از بلندن





واقعیت این است که سیستم اقتصادی ایران سیستمی بحران زده، گرفتار و ناکارآمد و در حال ورشکستگی است. این بحران در سی و چند سال گذشته، هیچ گاه کاهش نداشته، بلکه بر عکس هر روز دامنه و ابعاد جدیدی یافته است و از حیطة اقتصادی به عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک هم تعمیم یافته است که سقوط رژیم پهلوی، یکی از اولین آثار آن بود.

مشاوران اقتصادی سرمایه داری، به خصوص در بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و اتحادیه اقتصادی اروپا، طرح هایی را برای برون رفت از این وضعیت توصیه کرده اند، از جمله بانک جهانی طرحی ۷ ماده ای را برای اصلاح این سیستم ارائه کرده است که حذف یارانه ها، خصوصی سازی و... از بندهای معروف آن هستند. بعد از جنگ، در دولت رفسنجانی با برنامه تعدیل اقتصادی مولفه ها و عناصری برای اجرای این برنامه شروع شد، اما به دلیل فقر و خانه خرابی وحشتناک پس از جنگ، آماده نبودن زیر ساخت های مورد نظر و رقابت های درون حکومتی و اعتراضات مردمی و... با سرعت کمتری دنبال شد و تا دولت خاتمی نیز به همین سان تداوم یافت.

با قبول نظرات این موسسات شناخته شده بین المللی و قول همکاری گسترده، دولت سازندگی توانست میلیاردها دلار وام گرفته و علاوه بر به چرخش در آوردن نسبی موتور اقتصادی و با در نظر داشتن سهمی مناسب برای ارگان های نظامی و امنیتی برای ورود به عرصه های مختلف و فعالیت اقتصادی، تا حدودی از دامنه و عمق بحران بکاهد، اما بیماری و مشکلات این نظام

سرمایه داری، عمیق تر و جدی تر از آن بود که این اقدامات کارساز واقع شود. با توجه به رانت-خواری ها و مسایل و مشکلات مدیریتی و سیاسی و... حال این بیمار مفلوک، بدتر هم شد. اصلی ترین راه حل سرمایه داری برای خروج از بحران، افزایش بهره کشی و تشدید استثمار است که نتیجه بلافصل آن، بر خاک سیاه نشستن میلیون ها نفر از کارگران و زحمت کشان است. این بیمار، احتیاج مبرم به جراحی، آن هم به کمک جراحان ماهر و ورزیده دارد، حال آن که تیغ به-دستان ایران، همه چیز بودند الا جراح ماهر سرمایه داری! این سیاست ها فقط در حکم مسکن عمل می کردند. روی کار آمدن دولت نهم و دهم هم برای تکمیل و ادامه سیاست های گذشته بوده است، البته با نوع جدید از تبلیغات کرکننده پیرامون عدالت، آن هم با ضرب و زور و ...

**مردم باید بدانند که چندرغازی که قرار است به حساب آنها واریز شود (تا پس از اصلاح قیمت های حامل های انرژی حق برداشت داشته باشند، مثلا دو ماه دیگر) تنها یک بخش بسیار ناچیز و جزئی از حق آنهاست که به صورت اجتماعی، از دستمزد و سطح زندگی آنها برداشته شده است**

به همین خاطر، دهان ها بسته و هر نوع اعتراض و تشکلی ممنوع گردید تا دولت خدمت گزار بتواند با یک دستی و همکاری سایر قوا، این مهم را به نتیجه برساند، اما باز هم چاره کار نشد.

مساله اصلی برای این سیستم و راه برون رفت آن از بحران، مساله ایجاد کامل امنیت برای سرمایه داران و آن نظام سیاسی مناسبی است که بتواند حل بنیادین مساله استثمار و سازماندهی موفقیت آمیز بهره کشی را به انجام برساند، تا با برطرف ساختن موانع و هموار نمودن این راه، سرمایه داری ایران بتواند به گونه ای شفاف و بدون دغدغه،

بدون چشم اندازهای اعتراضی و اعتصابات توده ای کارگری و... به نظام سرمایه داری جهانی ببینند و علاوه بر ایران، در منطقه و جهان نیز مددکار و پیرو سیاست های جهانی آن باشد.

در همین چارچوب، مشاور وزارت صنایع و معادن می گوید:

“افزایش بهره وری [بهره کشی]، اصلی ترین برنامه در مسیر هدف مند کردن یارانه هاست” (شرق ص ۴ یازده مهر ۸۹)

توجه عمیق به این مطالب و هجوم و فجایی که دیر یا زود توسط کار به دستان سرمایه برای افزایش بهره وری به کار بسته خواهد شد (تا حدود زیادی اینها شناخته شده و تجربه شده اند) سردار احمدی مقدم حدس می زند که احتمال ناآرامی، شورش، اعتراض و اعتصاب می رود. موضوعی که اکثر تئوریسین های سرمایه داری و نمایندگان مجلس حامی دولت، مثل خوش چهره، نادران، توکلی، مصباحی مقدم و... هم علی رغم دیدگاه های متفاوت، آن را بعید نمی دانند.

جالب این که تمامیت سرمایه داری در ایران و جهان، با هر فکر و اندیشه ای، با کلیت اجرای این طرح موافق است، ولی به خاطر نوع مدیریت و شیوه های اجرایی و سرعت اجرای آن، گاهی با آن مخالفت می کنند.

مردم به طور غریزی هم که باشد، خطر را حس کرده اند و به همین خاطر، نگران و مضطرب هستند و این موضوعی پنهان کردنی نیست. احمدی نژاد هم با درک این نکته، در سفر به استان گلستان و شهر گرگان گفت: “جای هیچ نگرانی نیست. مردم به شایعات توجه نکنند. هدف مند کردن یارانه ها برای ایجاد عدالت و احیای اقتصادی است” (تیتیر بزرگ صفحه اول کیهان ۱۱ مهر ۸۹)

واقعا مردم حق دارند نگران باشند و برای رفع نگرانی خود، دست به کار شوند. مردم باید بدانند که چندرغازی که قرار است به حساب آنها واریز شود (تا پس از اصلاح قیمت های حامل های انرژی حق برداشت داشته باشند، مثلا دو ماه دیگر) تنها یک بخش بسیار ناچیز و جزئی از حق آنهاست که به صورت اجتماعی، از دستمزد و

سطح زندگی آنها برداشته شده است و اینک با فریب کاری باور نکردنی، به عنوان موهبت و برنامه لطف این دستگاه به آنان پرداخت می شود. خود یارانه ها برای پایین نگه داشتن دستمزدها عمل می کرده است. مثلا به سوبسید نان توجه کنید که چون غذای اصلی مردم ایران بوده است، اگر با نرخ بالا تولید و توزیع می شد، تا چه حد باید دستمزدها را فقط برای خرید نان خالی، بالا می بردند. حالا می خواهند همین را هم حذف کنند، بدون هیچ افزایش چشم گیری در سطح دستمزدها و درآمدها.

آری همان گونه که بارها عنوان شده و روشن است، این اقدام مستقیا کارگران و زحمت کشان را به ورطه فقر مفرط و خانه خرابی سوق می دهد و از بهداشت و امنیت و آموزش و رفاه نداشته آنان چیزی باقی نمی گذارد. نگاهی گذرا به کشورهای فرانسه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال و حتا دولت های رفاه در کشورهای اسکاندیناوی، مهر تاییدی است بر این مساله که سرمایه داری تا چه درجه ای، بی توجه به زندگی توده های مردم است و توحش و بربریت خود را در مقابله با خواست ها و اعتراضات به حق کارگران و محرومان، عیان می سازد. (آن هم در کشورهایی که حق اعتصاب و تشکل و تظاهرات، قانونی است، اتحادیه های چند میلیونی و سندیکاها، صدها روزنامه و کانال تلویزیونی و ... محل تجمع و

صندوق های همبستگی و ... دارند، ایران که جای خود را دارد!!!) علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. کارگران و زحمت کشان این مرز و بوم، باید خود را برای مقابله همه جانبه آماده کنند. شورش و اغتشاش و امثال آن هم، می تواند بیان گر خشم و نفرت شدید فرو کوفته شده مردم، در این اوضاع و احوال، از بانیان وضع موجود باشد، اما مسلما علاج دردهای بی درمان آنان نیست.

بیشتر از خشم و کینه آنی و نفرت عمومی، به عقلا نیت و خرد دسته جمعی و همکاری و همیاری اجتماعی، یعنی به آگاهی و ایجاد تشکیلات پایدار نیازمند هستیم. درک این موضوع و انتخاب راه - حل های مناسب، از اهمیتی کم نظیر برخوردار است.

در شرایط کنونی، با توجه به عدم سازمان دهی تشکل های توده ای، حرکات بی برنامه می تواند منجر به سرکوب و پراکندگی بیشتر توده های کارگر و در نهایت به افسردگی، اعتیاد و خودکشی هر چه بیشتری منجر شود. بر همگان، مخصوصا فعالان کارگری و نیروهای پیشرو و مبارز در تمام عرصه ها است که به بحث و بررسی و هم فکری و اتحاد عمل، برای دستیابی به راه حل های مطلوب و امکان پذیر جهت گام برداشتن عملی و کم و کیف چگونگی مقابله با طرح ضد انسانی حذف یارانه ها بپردازند. با توجه به اینکه هجوم سرمایه داری به

سطح زندگی توده های مردم، ابعاد بسیار هولناک و ویران گری دارد و موجی گسترده ای از بی کاری، گرانی، تورم، افلاس، ورشکستگی واحدهای تولیدی و شرکت ها و دستمزدهای معوقه هر چه بیشتر، در راه است؛ توده های کارگر و مزدبگیران و افراد کم درآمد، به حکم شرایط عینی و زیست واقعی خود، هیچ راهی جز مبارزه ندارند. سردار احمدی مقدم به خوبی این مساله را بیان کرده است.

بنابراین بیش از پیش، ایجاد آن نوع و سطحی از تشکل، که علاوه بر قابلیت اجرایی، بتواند در عمل نیز باعث بهبود وضعیت سطح زندگی و پیشروی این مردم باشد، در دستور کار قرار دارد. بدون این افق روشن، که هر کسی تاثیرات مثبت این مبارزه را در وجوهات زندگی خود ببیند و با امید به آن در راهی سخت گام بردارد، هیچ راه حل اصولی دیگری محتمل به نظر نمی رسد.

در ضمن، مردم گوشت دم توپ نیستند. مبارزه با سرمایه داری احتیاج مبرم به شیوه های پایدار و تثبیت کننده دست آوردها دارد. در غیر این صورت، دستگیری، شکنجه و از کشته های نیروهای رادیکال و طبقه کارگر، پشته ها ساختن؛ و بهره برداری و سوء استفاده عناصر فرصت طلب و نیروهای نئولیبرال سرمایه داری، حدیث تلخی است که هربار شدیدتر از قبل تکرار می شود.

## باز یافت

پدرم می گوید

چشم اگر تیز کنی خواهی یافت

بخت خود را ز همین مزبله ها

من ولی

در به در

در پی سوزاندن این بخت سیه می گردم

می دانم

عاقبت خواهم یافت

فندکی، کبریتی

من درون ذهنم

پی روزی هستم

که در آن روز دگر

گر بهی بخت کسی

پی موشی ندود

و نگرود پی یک لقمه هزاران کیسه

شانه ی کوچک من

زیر یک گونی پر

زیر صد بطری بی آب کثیف

شده فرتوت و مریض

کودکی پیرم من

لیک باید که بسوزانم

این بخت سیاه

خوب باید که بگردم، باید

به کف آرم روزی

فندکی، کبریتی

## دهانت را می بویند

### مبادا...

در ماه‌های اخیر، دخالت ارگان‌ها و نهادهای در زندگی خصوصی گروه‌های مختلف مردم، ابعاد وحشتناکی در جهت گسترش، تقویت و تثبیت فضای رعب و وحشت و بی‌حقوقی پیدا کرده است. ده‌ها سال است که آزادی‌های فردی و خصوصی لگدمال شده است. این اعمال فشارها و دخالت‌ها، نه تنها حوزه‌های اندیشه و تفکر و فرهنگ و هنر و تحقیق را هدف گرفته، بلکه تمام مناسبات خصوصی انسان‌ها نیز از این امر، بی‌نصیب نمانده‌اند. مناسبات سیاسی و اجتماعی هم که اظهر من الشمس است و احتیاج به گفتن ندارد.

صاحبان قدرت، برای خود موقعیت و حقوقی در نظر گرفته‌اند که به آنها اجازه می‌دهد در تمام امور شخصی، منجمله خوردن، پوشیدن لباس و آرایش و وضعیت ظاهر و ازدواج و بچه‌دار شدن و... امر و نهی کرده و به بی‌توجهان و مخالفان، با بی‌رحمی باورنکردنی برخورد کنند. به عنوان مثال به موارد زیر نگاه کنید:

- رییس پلیس فرودگاه‌های کشور در گزارشی اعلام کرد: در ۸۲ روز نخست سال، ۳۳۰۰۰ مسافر بد پوشش با تذکر این نهاد، ناچار به تعویض لباس خود در فرودگاه‌ها برای ادامه سفر شده‌اند. به ۸۷۷۱۴ نفر تذکر داده شده و به ۳۵۰۶ نفر بعد از اخذ تعهد کتبی، اجازه ادامه سفر داده شده است. ۱۱۲ زن و ۲۱۰ مرد هم دستگیر و به محاکم قضایی معرفی شده‌اند. (شرق ۲۵ خرداد ۸۹)

- رییس دبیرخانه هیات مرکزی گزینش دانشجویان گفت: دانشجویان ادیان ساختگی و اقلیت‌های غیررسمی، حق تحصیل در دانشگاه‌ها را ندارند و برای تایید صلاحیت، باید به هیات مراجعه کنند. (شرق ۲۲ خرداد ۸۹)

- ۶۰ مدل پیشنهادی طرح آرایش مردان، به تمام

آرایشگاه‌ها و... ابلاغ شد.

- تلاش برای اخراج علی کریمی، بازیکن تیم ملی فوتبال و باشگاه استیل آدین، به دلیل روزه‌خواری توسط آجرلو (مدیر باشگاه که خود را پاسدار انقلاب نامید)

- اجرای ۹۹ ضربه شلاق و حکم به سنگسار برای خانم سکینه آشتیانی به دلیل روابط خارج از چارچوب ازدواج

- اجباری کردن چادر برای دختران دانش‌آموز شهرستان کازرون

- طرح حجاب و عفاف که بسیار آشکارا همگان را مورد لطف و مرحمت خود قرار داده است.

با این که این فشارها و بخشنامه‌ها و... در هر کابینه و با هر مسئولی تداوم پیدا کرده و تشدید شده است، وزرات کشور و ارشاد و علوم و

### این‌گونه زندگی خصوصی افراد را

کنترل کردن، به‌خاطر جنون فردی،

بدجنسی، حماقت و یا انحصارطلبی و

امثالهم نیست. نابودی آزادی‌های

اجتماعی و سیاسی و فقر و بدبختی

مردم، با محو آزادی‌های فردی ارتباط

تنگاتنگی دارد.

آموزش و پرورش و نیز نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی و نهادهای مذهبی هم، که بیشترین سهم را در این امور دارند، متهم به کم‌کاری، سهل‌انگاری و فساد درونی و... می‌شوند و مرتباً از طرف مسئولین بعدی، مورد تکفیر قرار گرفته و طرد می‌شوند.

مدعیان سلامت اخلاقی، اسوه‌های فضیلت و هدایت و ارشاد انسان‌ها، چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند. و البته بعضی مواقع در جاهایی هم گیر می‌افتند و به اصطلاح لو می‌روند، اما از رو نمی‌روند. رقبا و... از شیوه‌های ضد انسانی خود آنها استفاده کرده و مدارک تخصصی جعلی و دروغ و فساد و... آنها را افشا و گاه‌ها

فیلم و عکس مربوطه را هم پخش می‌کنند. علی‌رغم این موضوع، نه تنها از اعمال ضد انسانی خود (پرونده‌سازی و دخالت گسترده در زندگی خصوصی افراد) دست نمی‌کشند، بلکه این سیاست ضد مردمی، هر روزه و دائماً ابعاد و کیفیت و کمیت جدید به خود می‌گیرد.

متأسفانه مشاهده می‌شود در میان بخشی از توده‌های مردم، در اثر تبلیغات و تکرار بی‌شمارانه و عدم آموزش و فرهنگ‌سازی، دخالت در زندگی خصوصی مردم، قبح و زشتی خود را از دست داده تا جایی که خصوصی‌ترین امور زندگی دیگران را برای هم بلوتوث می‌کنند!

با مراجعه به صفحه حوادث روزنامه‌ها، می‌بینیم که تجاوز به زنان و کودکان، با استفاده از تهدید به پخش فیلم‌های مربوطه، چه ابعاد وحشتناکی پیدا کرده است.

جار و جنجالی را که مربوط به یکی از زنان هنرپیشه تلویزیون بر پا شد به یاد می‌آورید؟ روزنامه کیهان در یک رویه کاملاً مرسوم و شناخته شده و مسبوق به سابقه علیه دگراندیشان، بعد از مصاحبه‌های شجریان با تلویزیون بی‌بی‌سی نوشت:

“شجریان دیگر به یک خواننده دوره‌گرد تبدیل شده و زندگی خصوصی ایشان دارای نکات بسیار جالبی است که دانستن آن برای مردم بسیار جالب خواهد بود” (نقل به مضمون)

تمامی موارد بیان شده در فوق و سابقه بیش از سه دهه آن در ایران، نشان می‌دهد که دخالت در زندگی خصوصی مردم و نبودن آزادی‌های فردی، حلقه‌هایی از یک زنجیر تمام‌عیار اختناق هستند که برای به بند کشیدن و استثمار هر چه بیشتر طراحی شده و دائماً در حال گسترش هستند تا کوچک‌ترین روزنه‌ها و در نتیجه امید برای تغییر وضع موجود، نابود شود.

این‌گونه زندگی خصوصی افراد را کنترل کردن، به‌خاطر جنون فردی، بدجنسی، حماقت و یا انحصارطلبی و امثالهم نیست. نابودی آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و فقر و بدبختی مردم، با محو آزادی‌های فردی ارتباط تنگاتنگی دارد.

همان‌طور که در بالا گفته شد، ارتباط مستقیمی بین از کف دادن آزادی‌های فردی و حقوق انسانی و تشدید محدودیت‌های اجتماعی و جلوگیری از تشکیل‌یابی کارگران و زحمت‌کشان (و مخصوصاً زنان) وجود دارد.

طبقه‌کارگری که می‌خواهد با آزاد کردن خود، آزادی همگان را میسر کند؛ طبقه‌کارگری که قرار است پرچم خواست‌های دموکراتیک را برافرازد و عموم مردم را به زیر آن فرا بخواند؛ باید بخواهد و بداند و بتواند در همین شرایط موجود، در دفاع از آزادی‌های فردی و حقوق لگدمال شده خود و سایرین، گسترده‌ترین مبارزه را سازمان دهد و خود، پیشگام عملی این مبارزه باشد.

پس باید در همه‌جا و با صراحت و شجاعت، خواستار جدی عدم مداخله کلیه نیروهای گوناگون دولتی، در تمام زمینه‌های زندگی خصوصی انسان‌ها باشد.

تسهیل‌کننده آن در باز کردن تضادهای جامعه در این شرایط، حین ایجاد تشکل‌های توده‌ای و طبقاتی کارگران، اهمیت این مبارزه را در هر گام به کارگران گوشزد کنند و خواستار فعالیت و اقدامات مستقیم و اعتراضی آنان، به هر شکل و صورت ممکن باشند تا بستری مناسب برای سراسری شدن و سازمان‌یافتگی شان فراهم گردد. طبقه‌کارگر به آزادی، غرور، احترام و حقوق انسانی، کمتر از نان شب محتاج نیست. پیشروان کارگری نباید به خاطر پراکندگی، فقر و بی‌کاری (که صد البته از معضلات اساسی و انکار ناپذیر طبقه‌کارگر هستند) این مبارزه و تلاش را دست کم گرفته و یا آن را به آینده‌ای نامعلوم موکول نمایند.

نمی‌توان و نباید به بهانه (بسیار غلط) اینکه این حقوق و آزادی‌های فردی، بورژوازی بوده و یا به مسایل و گرفتاری‌های معیشتی و ... کارگری ربطی ندارند، از زیر بار آن شانه خالی کرد.

در سه دهه گذشته، علی‌رغم مقاومت جانانه مردم برای دفاع از حقوق و زندگی خصوصی خود، به خوبی اثبات شده است که عقب‌نشینی و... تا چه حد می‌تواند به نتایج مصیبت‌باری ختم شود. توده‌های مردم به‌خصوص زنان، که آماج بیشترین تهاجم و مورد نقد و ظلم‌های بی‌شماری بوده‌اند، این رابطه تنگاتنگ را خیلی خوب درک و حس می‌کنند. از لباس شروع شد و تا به وضعیت امروز تکامل پیدا کرد.

بنابراین از هیچ کوشش و تلاشی نباید دریغ کرد. این زمینه مناسبی است که فعالان عرصه‌های گوناگون، از نویسندگان، هنرمندان، روشنفکران و زنان گرفته تا نیروهای رادیکال و چپ، دست در دست هم، تلاش کنند این مقاومت و اعتراض فردی، به مبارزه سازمان یافته و سراسری تبدیل شود.

فعالان کارگری هم می‌توانند با درک ضرورت‌ها و اولویت‌های این مبارزه و نقش راه‌گشا و

## شاعری در اوج

شاعر اینک

بر مرکب غرور

بر پشت اسب سفید بالدار

خوشبختی‌اش در اوج

می‌خواهد افتخار خویش را

با خوانندگان شعرش در شهر تقسیم کند

می‌خواهد با دستان خویش

بنیاد شعر امروز را کلنگ زند

شاعر خوشبختی

شاعر عشق و شکوه و شکوفه

شاعر بهار و ستاره!

بر زمین سخت کلنگ باید زد

تا بنیاد شعر امروز پای گیرد

از اسب سفید بالدار پیاده باید شد

بر زمین سخت پای باید بنهاد

- آقا تو رو خدا دو تا آدامس بخر

- تو کیستی کودک؟ اهل کجایی؟

- اهل پایبیم من

پدرم بیکار است

- مادرت کودک جان، مادرت؟

- مادرم تاب نیاورد مرا

آدمم من، او رفت

- خانه‌ات را، نگفتی که کجاست؟

اهل این شهر یقیناً که نئی؟

- خانه‌ام آن پایین

زیر آن ابر سیاه، پیش آن کوره‌ی آجر

لای چندین حلبی

پیش صد خانه که هر شب غم فردا دارد

در مسیری که قطار

می‌گریزد از شهر

شاعر، آن ساخته بر اوج، بهشت ابدی

ناگهان خورد زمین

- کودک راست بگو

توی این شهر به جز عشق

به جز مهر که دید؟

نغمه‌ی غم که شنید؟

راست گو! از کجا آمده‌ای؟

راست گو، ورنه مرا

به در خانه ببر

رفت بر خانه‌ی کودک با او

و پس از آن دیدار

شاعر بیچاره

هر چه پیش از اینها

رشته بُد، شد پنبه

لیک بنیاد نهادش شعری

که در آن

سفت سفت است زمین، شخم باید بزند شاعر ما

بذر خوشبختی اگر خواست بپاشد به یقین

**مصوبه جدید مجلس:**

**دانشگاه‌های دولتی ایران  
دانشجوی پولی می‌گیرند**

یازده آبان ۱۳۸۹ - با تصویب مجلس شورای اسلامی، دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی در سراسر ایران مجاز شده‌اند که با گرفتن پول، دانشجو بپذیرند.

در ماده ۲۴ لایحه برنامه پنجم توسعه، که مجلس مشغول بررسی کردن آن است، آمده:

“دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مجازند از ظرفیت مازاد بر سهمیه آموزش رایگان خود و یا ظرفیت‌های جدیدی که ایجاد می‌کنند، بر اساس قیمت تمام شده و یا توافقی با بخش غیر دولتی، دانشجو بپذیرند.”

پیش از تصویب این بند از لایحه پنجم، پنج تن از نمایندگان مجلس به آن اعتراض کردند و پذیرش دانشجوی شهریه‌ای در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی را، خلاف قانون اساسی و تبعیض-آمیز دانستند.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، مهدی کوچک‌زاده، نماینده تهران گفت: “بر اساس این مصوبه، مجلس به دانشگاه‌ها اجازه می‌دهد که ضمن استفاده از امکانات دولتی، از دانشجویان پول بگیرند که این به ضرر عده‌ای است که دانشگاه غیر دولتی

تاسیس کرده‌اند.”

آقای کوچک‌زاده هم‌چنین این مصوبه را به “زیان دانشجویانی دانست که با قبولی در کنکور وارد دانشگاه شده‌اند” زیرا در دراز مدت “به‌ناگزیر دانشجویان پولی مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرند.”

محمد حسن ابوترابی، نائب رئیس مجلس در پاسخ به کوچک‌زاده گفت: “قصد ما جذب دانشجو با بالاترین ظرفیت و جلوگیری از خروج دانشجویان از کشور است، هر چند که باید توجه کرد که بخش غیر دولتی آسیب نبیند.”

این در حالی است که هم‌زمان، نمایندگان مجلس طرحی را تصویب کردند که به دانشگاه‌های ایران اجازه می‌دهد که به‌منظور ترویج ارزش‌های اسلامی، بدون دریافت شهریه یا با تخفیف، دانشجوی خارجی بگیرند.

پولی شدن دوره‌های آموزشی کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های دولتی ایران، از سال ۱۳۸۲، تحت عنوان دانشجویان شبانه، آغاز شد. اجرایی شدن این طرح، به اعتراضات گسترده دانشجویی در تهران و تمام شهرهای بزرگ ایران منجر شده بود. این اعتراضات، بیش از دو هفته به طول انجامید. در این اعتراضات گسترده، مردم و جوانان نیز به دانشجویان پیوستند. به گفته مقامات قضایی در همان زمان، در طی سرکوب این اعتراضات، پنج هزار نفر دستگیر و روانه زندان شدند.

تصویب بند دیگری از این لایحه که در آن واگذاری ۲۰ درصدی سالانه خدمات رفاهی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی به بخش خصوصی پیش‌بینی شده بود، با اعتراض نمایندگان روبرو شد.

حسن کامران، نماینده اصفهان با بیمار توصیف کردن دانشجویانی که به دلایل صنفی اعتراض می‌کنند، گفت: “حالا اگر این امور را بدهیم به بخش خصوصی، که بر آن نظارت نیست، چه باید کرد؟”

او با اشاره به مشکلاتی که دشمنان از بیرون برای دانشگاه ایجاد می‌کنند، افزود: “اصلا اگر فردا اتفاقی به بهانه آتش و پلو و خوابگاه، در دانشگاه ایجاد شود، باید یقه چه کسی را گرفت؟”

این بخش از مصوبه، با وجود مخالفت‌ها به تصویب رسید. بنابراین در طول برنامه پنجم توسعه، تمام بخش‌های رفاهی دانشگاهی، به بخش خصوصی واگذار می‌شود.

این اظهارات در حالی است که از چند سال پیش، در اکثر دانشگاه‌های دولتی ایران، بخش‌های رفاهی به‌صورت پیمانکاری به بخش خصوصی واگذار شده است. البته چه قبل و چه بعد از خصوصی‌سازی خدمات رفاهی، به‌منظور کنترل و سرکوب اعتراضات صنفی دانشجویان، همواره حراست و کمیته انضباطی دانشگاه‌ها، وارد عمل شده‌اند.

**آموزش و تحصیل، فروشی نیست!**

دست به اعتراض زدند. دانشجویان به خیابان ریختند و علی‌رغم خشونت پلیس، توانستند صفوف پلیس را بشکافند و به مرکز شهر بروند.

**دو عکس پایینی:**

ایرلند - ۳ نوامبر ۲۰۱۰ (۱۲ آبان ۱۳۸۹):

بیش از چهار هزار دانشجو، در اعتراض به افزایش شهریه‌ها، در خیابان‌های دوبلین، پایتخت ایرلند، دست به تظاهرات زدند. پلیس با تعدادی از تظاهر کنندگان، به شدت برخورد کرد.

حدود پانزده هزار نفر در خیابان‌های وین و چند هزار نفر دیگر در شهرهای گراز، اینزبروک، لینز و سالزبورگ، علیه خصوصی‌سازی آموزش عمومی، دست به تظاهرات زدند.

**دو عکس وسط:**

انگلستان - ۲۸ اکتبر ۲۰۱۰ (۶ آبان ۱۳۸۹):

بیش از هزار دانشجو در دانشگاه آکسفورد، علیه سیاست‌های جدید دولت انگلیس در صرفه‌جویی در بخش خدمات اجتماعی و آموزش و پرورش،

طی ماه‌های اخیر، موج اعتراضات و تظاهرات دانشجویی، شهرهای اروپا را در بر گرفت.

دانشجویان در اتریش، انگلستان، یونان و ایرلند، به خصوصی‌سازی آموزش عمومی و خدمات اجتماعی، اعتراض کردند. این اعتراضات و تظاهرات، در ماه جاری در آلمان و انگلستان و ... ادامه خواهد داشت.

**توضیح عکس‌های صفحه آخر:**

**دو عکس بالایی:**

اتریش - ۱۹ اکتبر ۲۰۱۰ (۲۷ مهر ۱۳۸۹):



## Education is NOT for \$A£€ !

آموزش و تحصیل، فروشی نیست!

توضیح عکس‌ها در صفحه ۱۳

